

## مشت نیرومند کارگران بر بالای سر رژیم شاه

زستان گذشته کارگران نوب آهن نیرومندترین اعتصاب‌های کارگری سالهای پس از کودتا را براه انداختند. اعتصاب‌های هم‌آهنگ و سازمان یافته بیش از سی هزار کارگر که در زیر سایه سرسبز و ترور انجام میگرفت از یکسو آنچنان سریع و ضابط‌گیرانه بود که گردانندگان کارخانه و مامورین رژیم را در وحشت و آشفتگی بی سابقه ای فروبرد و از هرگونه اقدام پیشگیرانه بازداشت و از سوی دیگر آنچنان شعارهای دقیق و روشنی را مطرح میساخت که توانست نمای ارتش قدرتمند کارخانه را به حرکت درآورد و خواسته های آنان را به کرسی بنشاند. نخستین اقدام دسته جمعی و شدیداً اعتراض آمیز در دیماه صورت گرفت. جریان از این قرار بود که کارگرانی که در شهرک ها و روستا-های مسیر اصفهان - نوب آهن زندگی میکنند بدلیل دشواری های فراوانی که جهت رفت و آمد بکارخانه با آن مواجه بودند و از جمله عدم توقف اتوبوسهای سرویس در بین راه، بکسک بلوکهای سیمانی، تیرهای چوبی و بشکه های قیر ( تیرهای چوبی را با میخ به بشکه ها میدوختند ) جاده را بر روی پل فلاورجان مسدود میسازند بطوریکه اتوبوسهایی که بجانب نوب آهن در حرکت بودند بدنیال یک دیگر متوقف گردیده و صف بسیار طولانی را تشکیل میدهند. تا اینکه از ژاندارمری درخواست مداخله میگردد و دهها گامین ژاندارم جهت متوقف کردن کارگران و برجیدن موانع آنان بجانب منطقه مزبور روانه میشوند، هنوز پای ژاندارمها بزمین نرسیده بود که صفوف بزرگی از روستائینان اطراف که از هجوم ژاندارمها بترسیده آمده بودند به انبوه کارگرانی که هر لحظه بر تعداد آنها اضافه میشد پیوسته و به پشتیبانی آنان شعارهای دسته جمعی سر میدهند و یکی از افسران را که دیوانه وار بجانب کودکان و زنان مردان بیدفاع حمله ورگشته بود ادب مینمایند بطوریکه دیگران تا پایان ماموریت اجراء کوچکترین حرکتی نیز بخود نمی دهند، مسئولین کارخانه که از جریانات فوق بکی گنج و سهوت شده بودند بلا فاصله موافقت خود را با خواسته های کارگران اعلام نموده و از فردای همان روز سرویسهای مرتبی را در اختیار کارگران قرار میدهند، تا اینکه پس از چند روز که تصور میکردند دیگر آنها از آسیاب خوابیده بدستگیری عدّه زیادی از کارگران اقدام مینمایند، ظاهراً رهبرها را گرفته بودند و حال دست کم تا یکی دو سال می توانستند با خیال آسوده بسر ببرند و اما برخلاف انتظار در آنه "الله اعلم" پشتیبانی رئیس کارخانه ( و مامورین ریز و درشت امنیتی این آراش قبل از توفان چندان دوام نمی آورد ) و در نخستین روزهای اسفند سبلی عظیم و خروشان با شرکت بیش از سی هزار کارگر در کرمان و اصفهان بحرکت در میاید و کارگرانی که از دیگرکردن اجابت حقوقیایشان بشدت خشمگین شده بودند به نیرومندترین سازمان یافته ترین اعتصابات سالهای اخیر ایران مبادرت میورزند کارها دقیقاً تقسیم شده است و درشت نظیر آنچه بهنگام تولید صورت میگردد! همه چیز با انضباط خاص خود همراست است، دستهای از کارگران جریان برق را قطع میکنند، دست دیگری شیرهای آب را می بندند، گروهی مخازن آب را تخلیه می نمایند، عددهای تلفن را از کار می اندازند، برخی نیز شیر فلکه ها را زیر خاک میکنند و بالاخره دستهای نیز با میخ و چکش بجان چرخ اتوبوسهای روسا و مهندسان افتاده اند تا خدای نکرده خیال گریز و خیر رسانی بسروشان نزنند، بدین ترتیب سرتاسر کارخانه بدت سه روز تماماً فلج میگردد و بیش از سی هزار کارگر به محمد رضا شاه و دارود ستایشی قهمانند که همان بازوان نیرومندی که چرخهای عظیم را بخاطر دیگران بحرکت در میاورند همانها نیز میتوانند بقیه صفحه ۲

## اول ماه مه - روز همبستگی پرولتاریای جهان

در زمانی که در کشورهای سوسیالیستی بویژه آلبانی و چین طبقه کارگر از بند استعمار و ستم طبقاتی رسته و جامعه نوین سوسیالیستی آفریده است و اکنون همراه با توسعه تولید و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا سراسر روستای جامعه را در گروین میسازد. در زمانی که پرولتاریای این کشورها امسال نیز مانند سالهای گذشته روز اول ماه مه دستاوردهای بزرگ خود را در مبارزه بخاطر ساختمان سوسیالیسم و حفظ و استحکام دیکتاتوری پرولتاریا جشن میگیرد، پرولتاریای کشورهای سرمایه داری روز اول ماه مه را در شرایط ادای بحران سرمایه داری با تمام عواقب ناشی از آن میگذراند، بحرانی که زندگی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را از بند به بندتر کشانیده است. در واقع بوزواری تمام بار عواقب بحران را که مسئول آن خود او و نظام آفریده او است بر دوش کارگران و دیگر زحمتکشان میگذارد. در نتیجه تضاد میان کار و سرمایه پیوسته شدت مییابد، مبارزه طبقاتی دامنه و وسعت بیشتری میگیرد و بایه های فرمانروایی بوزواری را بسختی میلرزاند. در چنین شرایطی است که پرولتاریای جهان سرمایه داری بار دیگر روز اول ماه مه را با شعار همبستگی همه کارگران در مبارزه کار علیه سرمایه برگزار میکند.

برای طبقه کارگر ایران تحت رژیم ضد ملی و ضد کارگری " شاهنشاه " این امکان نیست که بتواند روز همبستگی کارگران را با تظاهرات نیرومند و با شعارهای رزنده خود برگزار کند. برای شاه که با " انقلابات " روزمره خود گویا " طبقات را از بین ببرد " و همراه با آن " جنگ طبقاتی " را نیز نابود کرده است روز اول ماه مه روزی تشریفاتی است که باید به دعا و شای " ملوکانه " اختصاص یابد. شاه احمقانه می پندارد که با هدیه های شاهانه قادر است طبقه کارگر ایران را که دارای سنت های طولانی مبارزه و تجربه است و آگاهی طبقاتی است از مبارزه باز دارد و او را رام و سرسبز قربانی استثمار می بندد و بار سرمایه داران بزرگ خارجی و داخلی گرداند. طبقه کارگر ایران، این نیروی تا پایان انقلابی، این رسالت تاریخی را برعهده دارد که جامعه کهنه را براندازد و جامعه ای نوین بجای آن بنشاند. این نقش طبقه کارگر ضرورت عینی دارد و هیچ نیروی در جهان و کتر از همه تلاشهای مذبحخانه شاه و رژیم او نخواهد توانست طبقه کارگر ایران را از اجرای این نقش تاریخی باز دارد.

طبقه کارگر ایران علی رغم دشواریها و مشکلات گوناگون سرانجام حزب سیاسی خود را احیا خواهد کرد و تحت رهبری حزب خود در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و ده، رژیم شاه، این فکند تاریخ ایران و جامعه انسانی را سرتگون خواهد ساخت و خود را همراه با همه خلق های ایران از ستم ملی و طبقاتی خواهد رهانید.

خجسته باد اول ماه مه، روز بین المللی پرولتاریا!  
دروود به طبقه کارگر قهرمان ایران!  
دروود برشور به طبقه کارگر سراسر جهان و در راس آن طبقه کارگر آلبانی و چین!  
زنده و استوار باد انترناسیونالیسم پرولتاری!  
در زیر پرچم ظرفینون مارکسیسم - لنینیسم به پیش سوی احیا حزب طبقه کارگر ایران!

## پنجاه سال در خدمت استعمار

ما تهیه می بیند و آنرا بادست رضاخان بیورد اجرا میکند. امپریالیسم که میخواست دنیای نوری را که پرولتاریا ی روس تحت رهبری لنین و استالین به آفریدن آن پرداخته بود از دنیای کهنه جدا کند، به کشیدن دیواری آهنین در برابر نظر اتحاد شوروی پرداخت. ایران یکی از حلقه های این دیوار بود. امپریالیسم با دست حکومت رضاخان که او را به سلطنت رسانید، همه عناصر و نیروهای انقلابی را سرکوب کرد. پرولتاریای ایران و سازمانهای صنفی و سیاسی و رهبران به سختی مورد هجوم ارتش و پلیس رضاخان قرار گرفتند، نزدیک بیست سال کشور ما به گورستان آرامی تبدیل گردید، یک نسل تمام از افکار انقلابی، از جنبش انقلابی بدرماند. سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی زمینه را برای انعقاد قرارداد جدید نفت فراهم آورد. رضاخان وظیفه نوکری را نیز بوجه احسن انجام داد. در حالی که تبلیغات رژیم رضاخان در باره پیروزی خلق ایران بر شرکت نفت جنوب و امپریالیسم انگلستان هیا هو و جنجال فراوانی براه انداخته بودند، قرارداد اسارت آور جدیدی جای قرارداد قدیم را گرفت و ذخائر نفت ایران را برای مدت بیشتری با بهائی ناچیز در اختیار امپریالیسم انگلستان گذاشته شد. روزنامه های مزدور مداح رضاخان همان اندازه در باره این قرارداد بد سخن دادند و آنرا ستودند که درباره قرارداد ۱۳۵۲ در آرزمان هم تبلیغات رژیم تحت عنوان " سازمان پرورش افکار " رضاخان را " نایفه عظیم الشان " نامید، کشور ایران چهارم نعل بسوی " دروازه های تمدن بزرگ " میبناخت، ارتش ایران آنچنان نیرومند بود که میتواند در برابر ارتش سرخ شوروی یک نفس تا قلب مسکو پیش برود، مجلس شورا مرکب از نمایندگان منتخب شاه بر رژیم فاشیستی رضاخان جلوه های دموکراتیک می بخشید. توکوشی وضع امروز ایران تصویری از وضع دوران رضاخان است منتها در شرایط دیگر و در مقیاس و ابعاد دیگر. حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ رژیم رضاخان را در محک آزمایش قرار داد: ارتش نیرومند رضاخان طرف یک روز از هم پاشید، افسران ارتش و پلیس که بیست سال بمردم زور گفته بودند از ترس مردم در خانه های خود پنهان شدند یا تهران را ترک گفتند. فساد و جنایات فرزندان ناکور و اناث رضاخان از پرده بدر افتاد، پیشرفتهای عظیم ایران چیزی جز خواب و خیال از آب در نیامد.

دربار پهلوی امسال پنجاه سالگی سلطنت سلطنت پهلوی را جشن میگیرد اما تاریخ پنجاه سال پیدارگری جنایت و خیانت دودمان را محکوم میکند، تاریخ پنجاه ساله سلطنت پهلوی در واقع تاریخ سلطه امپریالیسم بر ایران خارج غارت بلا مانع ثروتهای کشور و دسترنج مردم ما بدست تاراجگرا داخلی و خارجی، تاریخ اسارت خلق های میهن ما و محرومیت مردم ما از کلیه حقوق و آزادیها، محرومیت از ابتدائی ترین شرایط زندگی انسانی است. دودمان پهلوی میتواند بخاطر ثروتهایی که طی پنجاه سال از دزدی، ارتشا، غصب اموال دیگران و قاچاق مواد مخدر و استثمار بی حساب کارگران و زحمتکشان ایران اندوخته بر روی استخوانهای قربانیان سلطه پهلوی جشن بر پا کند ولی با جعل و تحریف نمیتواند تاریخ را بسود خویش تغییر دهد.

انقلاب اکبر پرولتاریای روسیه عصر نوینی در تاریخ جهان کثود، عصری که پرولتاریا در مرکز آنست، عصری که خلق ها یکی پس از دیگری بر رهبری پرولتاریا جامعه کهنه، جامعه سراسر استعمار و ستمگری را بر می اندازند و بجای آن جامعه نوین فارغ از ستم ملی و طبقاتی می نشانند. اما ایجاد چنین جامعه ای نوین بدون مقاومت سرسخت استشارگران و ستمگران صورت نمیگیرد. طبقات ستمگر و استثمارگر در برابر زوال و نابودی حتی خویش مقاومت بخرج میدهند تا هرچه بیشتر خود را در صحنه تاریخ نگاه دارند و هرچه بیشتر اضلال خود را بتابخیه اندازند. آنها مانند درند های که خود را در آستانه مرگ می بینند با درندگی و سببیت به پرولتاریا و توده های زحمتکش پرورش می برند تا از انقلاب و نابودی خویش جلوگیری کنند. مقاومت و نیروهای ارتجاعی، نیروهایی که دوران آنها سپری گشته و باید به موزه تاریخ سپرده شوند، در برابر نیروهای انقلابی رشد یابنده و منادی جامعه نوین از خصوصیات تکامل جامعه انسانی است.

انقلاب اکبر ناقوس مرگ بوزواری و مالکان ارضی را بصدا در آورد. تحت تاثیر انقلاب اکبر جنبش های ضد امپریالیسم در ایران بویژه جنبش های مسلحانه در شمال ایران اوج گرفت و سلطه امپریالیسم انگلستان را در ایران مورد تهدید قرار داد. نفوذ افکار انقلابی در شمال، پایه های منافع آزد مندانه انگلستان را بلرز در آورد. در چنین شرایطی است که امپریالیسم انگلستان نقشه یک رژیم متمرکز فاشیستی را برای میهن

## خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران!

### از وضع کارگران و کشاورزان

شاه در مصاحبه خود با روزنامه نگاران میگوید :

۹۵٪ کارگران تقاضای خرید سهام کارخانه ها را کرده اند و کارخانه داران نیز در اجرای اصل سیزدهم انقلاب شرکت کرده اند . . . البته شروع این کار در آن اصل سهیم شدن کارگران تا بیست درصد سود سهام بود .

در مورد کشاورزان :

روستائینان باعث اولیه فکر انقلاب ۶ بهمن شده اند . . . در آن موقع ۷۵٪ جمعیت مملکت روستائینان بود و اغلبشان در یک زندگی فئودالی بسر میبردند که برای ایران غیر قابل قبول بود . . . فقط کافی نیست کفروستائو صاحب زمین اش بشود باید این زمین باو در آمد کافی دهده

#### ده یا لقیز آتاج

با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ نفر یکی از دهات سندج است در این ده نسبتا بزرگ شخصی بنام نسان سندجی بیش از ۳۰٪ زمین های آباد را در اختیار دارد ، او صاحب خانه بزرگی با برق مخصوص و حمام خصوصی است و یکی از فامیل ده سندجی بنام حشمت خان از دیکتاتورهای محل است . کشاور محل او قدرتش را بپوشی میشناسند . اوست که با روسای زاندارم و دولتیان روابط حسنه دارد و حتی بگفته خودش او هرچه در میآورد همه را بشکم این یا آن رئیس میکند و شخص دیگری بنام حاج علی خان که اقلا ۱۵٪ زمین های ده را صاحب است دارای کمپاین و تراکتور است . و مالک دیگری بنام غلام قبادی که دارای ۲۰ موتور آب نیز میباشد ریاست خانه انصاف را دارد و کدخدای ده نیز از مالکان قدیمی بوده صاحب نفوذ و فوق العادای است و اوست که میتواند بزنها مردم تجاوز کند . و در مالک دیگر بنام میرزا علی و میرزا ولی دارای اراضی زیادی هستند و در ضمن تراکتورهای را نیز در اختیار دارند .

این مالکان در جمع بیش از ۶۵٪ زمین های ده یا لقیز آتاج را صاحبند که در ضمن نزدیک به ۴۰٪ زمین های آباد را شامل میشوند .

البته باید اضافه کرد که مامورین اصلاحات ارضی دوره سوم برای مدت سه روز در این ده در خانه حشمت خان به مهمانداری کدخدا مشغول حساب کردن عرق و طول سنگلاخ های این ده وسیع بودند و حتی مسائل ده های مجاور را نیز در همین مجال درج کردند و بالاخره از نتایج اصلاحات ارضی ملوکانه و ترحم کدخدایان مساعدت بانک تعاونی کشاورزی دو موتور آب با مخارج کمر شکن اهدات گردید ولی بعد از مدت کوتاهی محظوم گردید که دهقانان فقط صاحب یک موتور آب میشوند و آن دیگری به آقای کدخدا تعلق دارد .

همانطوریکه انتظار میرفت بعد از مدتی موتورن دهقانان از کار افتاد ، و کدخدا و قبادی رئیس خانه انصاف حاضر شدند درازا ۱٪ محصول آب مزارع دهقانان را تا این گند و و در دو سال اخیر وضع دهقانان این ده چنانچه وخیم شد که اکثر آنها گاو دارند و نه شخم ، این وظیفه را نیز

ضت . . . بقیه از صفحه ۱ بخاطر خود از کار باز دارند . ۶۰ هزار مشت گره گره پاسخ گویند های بود که بشکر دهان کتیف یاوه گویان رژیم فرود میاید ، یاوه گویانی که همه جا در کویچه و بازار از رادیو و تلویزیون نعره سر میدهند گند در عصر مشغول پهلوی ، کرگ و میش از یک جوی آب میخورند . آری در چنین اوضاعی است که خلق به نرسوی بیکران خویشین میبرد و با کسب تجربه خود را برای پیروزیهای بزرگتری که در انتظار اوست آماده میسازد و نه در اقدامات صغیر گروههای پراکنده و جدا از توده ها هرچند که اقدام آنها بخاطر انگیزه های مین پرستانه باشد .

کارگران نواب آهن تهدید کرده اند که هرگاه روستائو شان را که هم اکنون در زندانها بسر میبرند آزاد نسازند دست به اعتصاب خواهند زد .

به پیش در راه سازمان دهی طبقه کارگر ایران !  
درد به کارگران مبارز نواب آهن !  
زنده باد اتحاد کارگران و دهقانان !

در ازا ۱٪ محصول میرزا علی و میرزا ولی و حاج علی خان بر عهده دارند ، چون آنها هم تراکتور دارند و هم شخم . شتن اکنون بیش از ۳۰ درصد مردان این ده بخاطر ند امکانات کشاورزی و مقروض بودن آنها بمالکین و بانک کشاورزی به شهرهای اطراف پراکنده شده اند و با صلاح حدید رئیس خانه انصاف بعضی از آنها که اموال جزئی داشتند ضبط گردیده است .

#### ده شجاع آباد

این ده تقریبا ۱۷۰ تا ۱۸۰ نفر جمعیت دارد ، یکی از ملا کین قدیمی و بانفوذ این ده شخصی بنام زر علی ناصر آبادی است و اینک بیش از ۱٪ ده را صاحب است و در زمان اصلاحات ارضی جز " معتمدین ده " و مشاورین ناموزن اصلاحات ارضی بود و اوست که یکی از مبلغین بانک تعاونی کشاورزی است و اینک نیز کدخدای ده است و از سه سال باین طرف دهقانان بد هنگام به بانک تعاونی شب و روز خواب ندارند . دو هفتای نیست که مامور وصول با یک زاندار چهار ده نشود اگر دهقانی هنوز رقی در بساط دارد ، مامور بانک قرض آورا با بخش تمدید میکند و اگر این امکان نیست آنرا اموال دهقان بیچاره صادره شده و جادریا بمعرض فروش گذارده میشود . از آن جمله دهقانی بنام بخش علی کریمی که در سال قبل غلبی بالغ بر ۳۰۰ تومان از بانک تعاونی میگردد و طبق معمول سال بعدش هم نمیتواند بپردازد تا اینکه امسال بسر افش آمده ، جابجا اموالش را صادره کردند ، این دهقان بیچاره از مال دنیا فقط کوساله ای داشت که تمام خانواده برای نگهداری او چه شقات فراوانی را متحمل نمیشدند و این کوساله در حقیقت مرکز امید این خانواده به شمار میرفت ، بدستور مامور بانک کوساله را سر بریدند و گوشت آنرا کیلو کیلو فروختند .

غالبا ناصر آبادی ملاک در مصادر اموال بدون دخالت نی ماند . چون اوست که اگر دهقانی قدرت پرداخت نداشته باشد قوری با وی قراردادی بسته مقداری از پول بانک را بی بردارد و در عوض دهقان و فامیلش را برده خود میسازد و مامورین بانک و زاندار امری نیز هیچگاه بدون صلاح حدید او بکاری نیست نی زنند ، ناصر آبادی غیر از نفوذ در ده خود با ملا کین بزرگ ده یا لقیز آتاج نسبت دارد . غذای عبادی دهقانان این ده نان و تریب است . اکنون نزدیک به ۴۰ نفر از مردان ده محل سکونت خود را ترک کرده اند و عدای از آنها در همدان و تهران مشغول عملگی هستند و چندین نفر نیز ناپدید شده اند .

پنجاه . . . بقیه از صفحه ۱  
در برابر مهاجمان امپریالیست آمریکا و انگلستان فرار را بر قرار ترجیح داد و به دامان ارباب خود امپریالیسم انگلستان پناه برد و در آغوش ارباب خود جان سپرد . پسر رضاخان که بجای پدر نشاندندش در برابر ستاخیز خلق ابتدا خود را به نوش مردگی زد ، ارتجاع تا حدودی نیروی خود را از دست داد جنبش خلق اوج گرفت .

اعتلا جنبش خلق و پیروز جنبش طبقه کارگر امپریالیسم های اشغالگر آمریکا و انگلستان را به تکلیف انداخت که بسنسه تقویت نیروهای ارتجاعی و شاه بردارند . آنها شاه را در دامان خود پیروزند ، با توطئه ۱۵ بهمن ۱۳۴۷ او را مرعوب و رام کردند و بالاخره با کودتای ۲۸ مرداد او را که از خشم مردم مانند پدر خود به خارج گریخته بود دوباره به تخصصت سلطنت نشاندند و افزار سرکوب نیروهای دموکراتیک پیروز سازمانهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر کردند . این فرزندان نیز مانند پدر بهترین فرزندان خلق را به چوبه اعدام بست و ایران را مانند پدر خود به گورستانی تبدیل ساخت . این پسر که خیانت و جنایت را از پدر به ارث برده بود در خیانت به سه میهن و جنایت نسبت به خلق های ایران بر پدر سبقت جست میهن ما را قطعه قطعه کرد و به امپریالیست ها فروخت و دارو ندارد مردم ایران را بتاراج غارتگران داد ، منابع نفت را بسا قراردادهای ۱۳۳۳ و ۱۳۵۲ تا آخرین قطره به شرکتهای نفتی بین المللی سپرد ، در قساد و سوء اخلاقی کتر شاهی پهای شاه عاری از مهر میزند و این از خصائص تمام اعضایی خاندان پهلوسی است .

تبلیغات وسیع درباره پیشرفت های ایران در تمام

### یکمین سال آزادی کامبوج

" دولت کامبوج ، دولت کارگران ، دهقانان و همه " اقتدار دیگر زحمتکشان کامبوج است . چنین است ماهیت دولت کامبوج آنطور که در قانون اساسی جدید آمده است . و این کاملا طبیعی است . خلقی که با زور اسلحه ، طسی جنگی طولانی با تحمل مصائب و دادن قربانی ها ، دولت پرشایی گوش فرمان امپریالیسم را سرنگون ساخته و امپریالیسم را از کشور خود رانده ، قدرت را خود در دست میگیرد ، دو از آن اوست .

از ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ که خلق کامبوج تحت رهبری جبهه واحد ملی کامبوج ، پس از پنج سال جنگ علیه دولت کودتا و امپریالیسم آمریکا پیروزی بزرگی بدست آورد و میهن خود را از یوغ استعمار رهائی بخشید یکسال میگذرد . راز موفقیت این خلق کوچک که توانست عول عظیم آمریکا را از پای درآورد در اینست که با ثبات متحد ، با تکیه بر نیروی خود بپاخاست و علیه امپریالیسم آمریکا و دولت لون نول دست به مبارزه مسلحانه زد . از مشکلات نهراسید ، از عظمت نیروهای دشمن در بیم نشد ، زیر بار مداخلات بیجای دیگران و از آنجمله سوسیال امپریالیسم شوروی نرفت . خلق کامبوج نمونه در خط این حکم است که هرگاه خلقی هراندازه کوچک هم که باشد مصمانه بخاطر نیل به آزادی و استقلال بر خیزد میتواند بر دشمنی برانگیزنده تر پیروز گردد . خلق کامبوج تحت رهبری جبهه واحد ملی کامبوج و خط مشی صحیح و انقلابی آن تجسم این حکم است .

خلق کامبوج پس از پیروزی بر دشمنان خارجی و داخلی اکنون در جبهه ساختمان اقتصادی ساختمان سوسیالیسم میزند . در اعلامیه دولت کامبوج دموکراتیک گفته میشود : به افتخار انتخاباتی که صورت گرفته است " کارگران ، دهقانان و ارتش انقلابی ما ، آمادگی مبارزه و شور و شوق خود را در چندان کرده اند ، بر مساعی خود بخاطر ساختمان سدها و حفر کانالها افزوده اند تا اقتصاد خود را تقویت کنند بشکر خود را بسازند و به پاسداری از آن همت گمارند ، تا یک کامبوج مستقل ، یکپارچه ، صلح دوست ، بیطرف و غیر متعهد بوجود آورند ، کامبوجی که از حاکمیت ملی برخوردار است ، جامعه ای که در آن نیکبختی ، مساوات ، عدالت و دموکراسی واقعی حکمفرما است ، جامعه ای که در آن نه از طبقات ثروتمند و استثمارگر اثری است و نه از طبقات فقیر و استثمار شونده " .

خلق کامبوج بدین ترتیب در مبارزه خود وارد مرحله نوینی شده است : مرحله ساختمان سوسیالیسم . خلق کامبوج همانطور که توانست یکدل و یکجان بر مبارزه با امپریالیسم پیروزند بیرون آید بیقین تحت رهبری جبهه واحد ملی کامبوج در جبهه ساختمان سوسیالیسم نیز متحد و هم آهنگ به موفقیت های درخشانی نائل خواهد آمد . سازمان ما در این روز یکمین سالگرد پیروزی انقلاب به خلق کامبوج درود می فرستد و کامیابیهای او را در جبهه ساختمان سوسیالیسم صمیمانه آرزو مند است .

زمینه ها و رسیدن ایران به " دروازه های تمدن بزرگ " از سر گرفته شد ، سازمان " اندیشمندان " جای " سازمان پرورش افکار " را گرفت که به تدوین " فلسفه انقلابات شاهانه " پرداخت ، ارتش ایران دوباره آنچنان نیرومند از آب درآمد که گویا قنار است در برابر هجوم خارجی بایستد . . . اما علی رغم جنجال تشابه برای زبودن لکه های تنگ از دامان دودمان پهلوی ترازنامه پنجاه سال سلطنت سلسله پهلوی سیاه است . پنجاه سال است که مردم ایران در زیر ظلم و ستم کم سابقه ، خاندانی جبار و بیگانه بسر میبرند ، خاندانی که اعضای آن تشنه خون اند ، تشنه اندوختن ثروت اند و برای کسب مال از هیچ راهی ، هرچه ننگین هم باشد ، روی نمیگردانند ، در فسق و فجور زیانزده خاص و عام اند . شاه اکنون پنجاه سال زندگی سراسر ننگ و تپاهی خاندان خود را جشن میگیرد . اما خلق های ایران در این آتش میسوزند که نه تنها به سلطنت سلسله پهلوی بلکه همراه با آن و یکبار برای همیشه به سلطنت و شاهنشاهی که متاسفانه است دوران آن سپری گشته پایان دهند و بدون تردید پایان خواهند داد .

ستایشگر... بقیاض صفحه ۴ که شوروی برای ترانزیت گاز از کشور خود سالیانه ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز "برایگان دریافت میکند و از آن ممبر کلید جریان گاز بسوی کشورهای غربی در دست اتحاد شوروی است که از آن میتوان در موقع لزوم بعنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار استفاده کرد. آیا اینها همه کافی نیست برای آنکه اسکندری در سخنرانی خود در "کنگره" ۲۵ وضع ایران را از یاد ببرد؟ آیا باز هم میشود تردید داشت که شعار سرنگونی شاه توسط ارگانهای تبلیغاتی ریز و پویست‌ها مانند همه سیاست آنها تابعی از تغییر شوروی است؟ انشعابگران کفدراسیون را باید تهنیت گفت که از ستایشگران شاه دفاع میکنند و خطر ریزنده آنها همکاری با ستایشگران شاه است.

مداح همیشه سعی دارد مرکب تخیل خود را آنچنان بتکاپو در آورد تا در مداحی از دیگر مداحان گوی سبقت بر باید. اسکندری در زمره چنین مداحانی است. البته برای "دور دسته" کمیته مرکزی "کنگره" های حزب ریز و پویست شوروی همیشه "تاریخی" است اما اسکندری این بار آنرا "نه تنها برای مردم شوروی بلکه برای تمام کونیست‌های دنیا یک واقعه تاریخی" خوانده است. راست هم میگوید "کنگره" ۲۵ "کنگره" تاریخی است. تاریخی بودن "کنگره" ۲۵ در اینست که میدان را برای احیای کامل و تمام سرمایه داری انحطاط دولتی متمرکز، برای تقویت بازهم بیشتر نیروی نظامی تجاوزکار شوروی، برای تکمیل و افزایش تسلیحات عادی انی و هسته‌ای برای بره انداختن جنگ جهانی جدید می‌گشاید.

اسکندری باز هم در کار مداحی آنچنان پیش میرود که اتحاد شوروی را ناجی بشریت می‌نماید. به بینید آنچه

میگوید: "در حقیقت تمام کشورهای که از یوغ استعمار آزاد شده اند صرف نظر از اینکه این امر را قبول کنند یا خیر در تحلیل نهائی آزادی خود را به اتحاد شوروی مرهون هستند". این آقا که مدعی است مارکسیست است فراموش میکند که آزادی خلق‌ها فقط با دست خود آنها، با مبارزات انقلابی آنها امکان پذیر است. خلق چین برهبری حسرت کونیست چین ۲۵ سال علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی جنگی و آزادی خود را بدست آورد. اما برهم اسکندری آزادی خلق چین کار خود خلق نیست کار خورشیدها و برزف‌ها است! خلق ویتنام نزدیک به سی سال برای آزادی خود از زنجیر امپریالیسم فرانسه و سپس آمریکا جنگید و با تحمل مشقات و هائاب فراوان و محرومیت‌های بی‌شمار در این جنگ پیروز گردید. اما برهم اسکندری خلق ویتنام آزادی خود را مرهون مبارزات قهرمانانه خود نیست، مرهون اتحاد شوروی است! خلق الجزایر بیش از هشت سال برای آزادی خود جنگید. قهرمانهای فراوان داد اما برهم اسکندری خلق الجزایر آزادی خود را مرهون جنگ آزاد بیخش خود نیست، مرهون اتحاد شوروی است! ما نمیدانیم چرا آقای برزف برای آزادی خلق‌های ایران تصیی نمیگرد و "وردی" نمیخواند؟! مارکسیسم نیاموزد که آزادی خلق‌ها در آخرین تحلیل یا در اولین رگبار خود خلق‌ها است اما اسکندری را بسنا مارکسیسم چکار! وظیفه او دفاع از مارکسیسم و انقلاب نیست ستایش از سوسیال امپریالیسم شوروی است.

اسکندری در پایان نطق خود کینه ضد انقلابی خود را نسبت به جمهوری تودهای چین ابراز داشته است تا رضایت خاطر ارباب را بطور کامل فراهم آورد. او چین را مخالف

امر صلح و اتحاد شوروی را هوادار صلح نمایانده است آیا امروز کمی هست که نداند که اتحاد شوروی دامن‌تسلحیا خود را بوضع وحشتناکی توسعه میدهد و با آمریکا به مسابقه تسلیحاتی خطرناکی دست زده است؟ اینهمه تسلیحات شوروی برای خوردن یا حتی آب کردن نیست و باید روزی به کار آید. اما اسکندری شوروی را فرشته صلح معرفی میکند همانگونه که گوبلز رایش سوم را هوادار صلح میخواند.

شوروی هوادار صلح است ولی یک ملیون سرباز با تجهیزات کامل در مرزهای چین نگاه داشته است، شوروی طرفدار صلح است اما کشتی‌های جنگی او در مدیترانه و دریای شمال و در آبهای سراسر جهان زندگی مردم را تهدید میکند، شوروی طرفدار صلح است اما نیروی عظیمی در کشورهای اقیانوس خود در اروپا و در مغولستان متمرکز ساخته است شوروی هوادار صلح است اما بودجه یکصد و ده میلیارد دلاری هر روز سلاح مخرب جدیدی میسازد. تسلیحات شوروی دفاعی نیست تجاوزی است و اینرا حتی خود ناطق هم میداند.

اما وظیفه اسکندری اینست که ماهیت امپریالیستی ماهیت توسعه طلبانه، تجاوزکار و جنگ طلبانه شوروی را از انظار مردم ساده پنهان نگاه دارد. البته وظیفه دشواری است، وظیفه‌ای است از پیش محکوم به شکست. واقعیت شوروی آنچنان عیان است که هیچ دروغ و سقراطی نمیتوان آنرا پوشانید.

یک حادثه... بقیاض صفحه ۴ بخش حزب در آلمان دمکراتیک مبارزه میکند علیه سیستم ملی برزحمتکشان در آلمان دمکراتیک! او مبارزه میکند علیه تجزیه ملت آلمان، ملتی که بنا بر نقش توسط امپریالیستها آلمان غربی و بورژوازی نوین آلمان دمکراتیک خیانت گشته و میشود، که این تجزیه قبل از هر چیز خواست سیادت طلسم امپریالیستی و ابر قدرت، امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس، میباشد. در این مبارزه، حزب کونیست آلمان مارکسیست لنینیست نقش رهبری طبقه کارگر را عینی میسازد. زیرا که او تنها نیروی است که حقیقتا و نه تنها در حرف برای آلمان متحد، مستقل و سوسیالیستی مبارزه میکند. زیرا که فقط پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در هر دو بخش آلمان به خلق تعلق خواهد داشت.

بخش حزب در آلمان دمکراتیک این اهداف و نظریات سیاسی خود را طی اظهارهای پیرامون تشکیل خود توضیح داده است.

حزب کونیست آلمان مارکسیست - لنینیست حزب کل طبقه کارگر آلمان میباشد، او منافع تمام خلق آلمان را نمایندگی میکند، در مبارزه خود برای آلمان متحد، مستقل و سوسیالیستی او در مقابل واقعیتی قرار دارد که امروزه یک ملت آلمان اما دو دولت آلمان و هم چنین برلین غربی که به هیچ کدام از دو دولت آلمان تعلق نمیگیرد، موجود است.

پیروزی انقلاب فقط در صورتی ممکن است که در هر دو بخش آلمان دولت بورژوازی سرکوب گردد، هم در آلمان فدرال عمدتا توسط طبقه کارگر آلمان غربی، و هم در آلمان دمکراتیک عمدتا توسط طبقه کارگر آلمان شرقی. بدین جهت حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست خود را در سه بخش، بخش آلمان فدرال حزب، بخش برلین غربی حزب و بخش آلمان دمکراتیک حزب متشکل میسازد. هر سه بخش اجزا یک حزب متحد مارکسیستی - لنینیستی میباشد. آنها کل طبقه کارگر و کل خلق زحمتکش را تحت یک خواست واحد و عمل واحد تحت یک رهبری مشمول کل حزب، کمیته مرکزی حزب کونیست آلمان مارکسیست - لنینیست، در صدر آن رفیق ارست است، رهبری میکند.

حزب کونیست آلمان مارکسیست - لنینیست

عنوان: مکتوبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030-ARCAVACATA (CS) ITALY  
حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549711  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

و محصولات صنعتی خود را با بهای گران بکشور ما بفروشد و از این راه او هم سهمی در استثمار خلق ما داشته باشد. اگر ارقام را خلاصه کنیم از کل صادرات کشور ما ۹۷ درصد به نفت تعلق میگیرد و از سه درصد باقیمانده ۲/۵ تا ۲/۷ درصد آن سهم صادرات سنتی است فقط ۰/۳ تا ۰/۵ درصد سهم صادرات محصولات "صنعتی" است. اگر جزاین بود بی عجب نمودی! زیر سلطه امپریالیسم و باد ست امپریالیسم نسبتا به عقب ماندگی کشور ایران بخشید. معلوم است این ادعای شاه و رژیم که یک بازار صادراتی بیست میلیارد دلاری برای محصولات "صنعتی" ایران پیش بینی میکند و این ادعای دیگر شاه که بزودی ایران بزودی در ردیف پنج کشور صنعتی بزرگ جهان قرار خواهد گرفت تا چه اندازه لاف زنی پهلوان پنبه است. این نکته را هم اضافه کنیم که ما وقتی از امپریالیسم حکیم مذهبوتی را در نظر داریم و مفهوم ماهیت است. و از لحاظ ماهیت امپریالیستی میان امپریالیسم ها (۱ و سوسیالیسم امپریالیسم نیز امپریالیسم است) هیچگونه تفاوتی نیست. البته در نیای امروز امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم - امپریالیسم شوروی برای تاراج و استثمار خلقهای جهان از امکانات عظیمی برخوردارند که در اختیار کشورهای امپریالیستی دیگر نیستند. بر اثر همین امکانات است که استیلا بر سراسر جهان را در دست می‌گیرند و در رقابت خود بخاطر سیادت بر جهان دنیا را بشوی جنگ جهانی جدیدی می‌رانند. این تفاوت در امکانات به هیچوجه بمعنی تفاوت در ماهیت نیست.

کشور ما امروز مانند طعمه ای است که وحوش امپریالیست بدریدن آن مشغول اند. وظیفه مانیست که در زندگانی مانند انگلستان، آلمان، فرانسه و غیره را بعلت نیروی عظیم آمریکا بدست فراموشی سپریم تا چه رسد باینکه برزغارت و استثمار آنها به بهانه های موهوم صده گذاریم. امپریالیسم آلمان در بازار وارداتی ایران مقام اول را احراز کرده و جای امپریالیسم آمریکا را گرفته است؛ انگلستان و فرانسه با استفاده از وضع کنونی جهان در غارت ثروت و استثمار مردم ما سهم کوچکی ندارند. البته امپریالیسم آمریکا در حال حاضر دشمن عمده خلقهای ایران است و سوسیالیسم امپریالیسم شوروی خطر بسیار بزرگی برای آزادی و استقلال کشور ما است ولی بهر تقدیر وظیفه ما مبارزه بخاطر برانداختن امپریالیسم است و تنها با برانداختن سلطه امپریالیسم میتوان در راه صنعتی شدن واقع کشور گام گذاشت و میتوان وضع ملکت را از ناپسانمانی کنونی که امپریالیسم بیوزره امپریالیسم آمریکا علت التخلل آنست بدر آورد.

امپریالیسم... بقیاض صفحه ۴ راکه باید در راه رشد تولید بگراقتند بتاراج می برد. بدینسان راه را بر رشد اقتصاد ملی ما میبندد و کشور ما را در حال عقب ماندگی نگاه میدارد. نگاهی به ترکیب صادرات کشور ما گویای حقیقت است صادرات ایران را در واقع نفت تشکیل میدهد و از این لحاظ کشور ما نمونه کشور محصول واحد است و وابستگی شدید آن از همین جا شروع میشود. در سال جاری صادرات مواد نفتی بیش از ۹۷ درصد مجموع صادرات کشور است و تنها ۳ درصد صادرات به محصولات دیگر اختصاص دارد در حالی که در سال پیش صادرات مواد نفتی ۸۸ درصد مجموع صادرات بود. بدین ترتیب بدنیال آخرین قرار اد شاه خائن با کسر سیوم بین المللی نفت که بنا بر آن ایران گویا سرنوشت امور نفت را در کف خود گرفته وابستگی ایران به امپریالیسم شدت بیشتری یافته است.

اکنون به بنیم ترکیب آن ۳۰ درصد صادرات محصولات غیر نفتی چیست و "صنایع" ایران در این صادرات چه سهم دارد. مجله تهران اکونومیست ترکیب صادرات غیر نفتی را به شرح زیر میآورد: ۱- مواد اولیه معدنی که نسبت ارزش صادرات آن به ارزش کل صادرات غیر نفتی ۷ درصد است؛ ۲- محصولات کشاورزی مرکب از پنبه، میوه های خشک، برنج، کبریا، زیره، رشته شیرین بیان و... که نسبت ارزش آنها نسبت به ارزش کل صادرات غیر نفتی ۳۸ تا ۴۰ درصد است و بهترین آنها پنبه و میوه های خشک است. ۳- محصولات جنگلی یا چوب به نسبت ۱ درصد؛ ۴- محصولات حیوانی شامل پشم، کرک، مویز، انبیا پوست و زرده که نسبت ارزش آنها از ۷ تا ۱۲ درصد است؛ ۵- محصولات درختی شامل ماهی و خاویار که نسبت ارزش آنها گاهی به ۳ درصد میرسد؛ ۶- محصولات گاردست مانند فرش که بهترین صادرات ایران بوده است و اکنون در رقابت با فرش کشورهای دیگر بتدریج بازار خود را از دست میدهد. در ۱۳۵۱ نسبت ارزش صادرات فرش به کل صادرات غیر نفتی ۲۷ درصد بوده است. نتیجه اینکه صادرات سنتی ما غیر صنعتی ما ۸۳ تا ۹۰ درصد کل صادرات غیر نفتی را تشکیل میدهد و صادرات محصولات "صنعتی" کشور ما فقط ۱۰ تا ۱۷ درصد کل صادرات غیر نفتی است که آنها تقریبا از حدود کمتر بود رختشویی، صابون، گلدسیرین، تریکو، انواع پارچه فراتر نپیروید و بیشتر در بازگاتی پایایی با اتحاد شوروی مورد استفاده قرار میگیرد و به اتحاد شوروی امکان میدهد که درازا این واردات از ایران قراردادهای تجارتنی با ایران به بندد

احیاء حزب طبقه کارگر وظیفه مقدم مارکسیست - لنینیست ها است!

يك حادثه مهم

در آستانه سال ۷۶ حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست تشکیل بخش حزب در آلمان دموکراتیک را اعلام داشت. این عمل متعبرانه در شرایط سوسیال فاشیسم مستقر در کشورهای تحت قیمومیت سوسیال امپریالیسم روس حادثه‌ای پراهمیت می‌باشد. تشکیل بخش حزب در شرق آلمان نه تنها پیروزی طبقه کارگر آلمان در مبارزه خود بخاطر انقلاب سوسیالیستی است بلکه بخشی از پیروزی تمام مارکسیستها - لنینیستهای جهان طبقه کارگر و خلقهای جهان بخاطر انقلاب و سوسیالیسم در مبارزه خود علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت و ارتجاع جهانی است.

مدتهاست که در روسته روستیونیست لبریش، هونگر و اربابان روس آنها در دست خروشچف، برزف به منافع طبقه کارگر و خلق آلمان شرقی خیانت کرده اند. مدتهاست که "حزب سوسیالیستی متحد آلمان" به حزب روستیونیستی و حزب بورژوازی سوسیال فاشیست بدل گردیده است. در آلمان دموکراتیک مانند کشورهای اروپای شرقی باستانهای آلبانی سوسیالیستی دستاورد. های سوسیالیسم زیرا گذشته شده سرمایه داری مجددا احیا شده و حکومت دیکتاتوری فاشیستی مستقر گردیده است. در واقع برگردن طبقه کارگر و خلق زحمتکش آلمان شرقی، ستم و استثمار دوجانبه سنگینی میکند - ستم و استثمار بورژوازی نئین آلمان شرقی و اربابان سوداگر سوسیال امپریالیسم روس. سوسیال امپریالیستهای روس که در داخل کشور خود سوسیالیسم را سرنگون کردند و سرمایه داری را احیا کرده اند، آلمان دموکراتیک را مانند کشورهای دیگر در اروپای شرقی باستانهای آلبانی سوسیالیستی بوسیله بند های بسیار مانند "پیمان تجاوز گریشو" و "شورای تعاون اقتصادی" تحت قیمومیت خود در آورده اند. لذا خلق آلمان دموکراتیک دیگر از آزادی و استقلال خود برخوردار نیست و باید بزرگ تا با پیروزی بر سوسیال امپریالیسم و سرنگونی حکومت دیکتاتوری فاشیستی بورژوازی نئین آلمان شرقی، استقلال ملی را بکف آورده و سوسیالیسم را مجددا مستقر کند. فقط از طریق انقلاب در تمام آلمان است که ملت تجزیه شده آلمان مجددا وحدت خود را کسب کرده و فقط از این طریق است که طبقه کارگر و خلق آلمان میتوانند شرایط ایجاد آلمان متحد، مستقل و سوسیالیستی را بوجود آورند.

اکنون سالهاست که با پیدایش روستیونیسم مدرن و استقرار آن در بخش بزرگی از کشورهای سوسیالیستی گذشته مارکسیست لنینیست ها و طبقه کارگر در مقابل وظیفه‌های بس خطیر و وظیفه مبارزه علیه آن قرار دارند. از جانب دیگر شرایط سوسیال فاشیسم موجود در این کشورها شرایط مبارزه را بسیار دشوار میکند. در این رابطه است که تشکیل بخش حزب کمونیست در آلمان دموکراتیک بعنوان عملی ضروری قدم بسیار بزرگی در مبارزه مارکسیستها - لنینیستها، خلقها و طبقه کارگر علیه سوسیال امپریالیسم و دست نشاندهان محلی اش می‌باشد.

این موفقیت، موفقیت خلقها و طبقه کارگر ایران نیز می‌باشد. سازمان ما از این موفقیت بسیار شادمان است و در این راه برای حزب برادر حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست آرزوی موفقیت بسیار کرده و این کام بزرگ را به حزب برادر و تمام اعضای آن تهنیت میگوید.

در ذیل اطلاعیه مطبوعاتی حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست را درج می‌کنیم:

بخش حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست در آلمان دموکراتیک جهت آلمان متحد، مستقل و سوسیالیستی مبارزه میکند.

بخش حزب در آلمان دموکراتیک طبقه کارگر و خلق زحمتکش آلمان دموکراتیک را بسوی سرنگونی سلطانه دیکتاتوری بورژوازی در آلمان دموکراتیک هدایت خواهد کرد. او را ی استقرار مجدد دیکتاتوری پرولتاریا در آلمان دموکراتیک مبارزه میکند. این مبارزه علیه بورژوازی نئین در آلمان دموکراتیک و سوسیال امپریالیستهای روس که بخش عمده انقلاب سوسیالیستی در آلمان دموکراتیک می‌باشند ست میگیرد. بقید صفحه ۳

کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان مارکسیست لنینیست با اطلاع می‌رساند که در آستانه سال ۷۶ بخش حزب در آلمان دموکراتیک تشکیل گردیده است. بخش حزب در آلمان دموکراتیک تحت رهبری کمیته مرکزی حزب و در صدر آن رفیق ارنست است شروع بکار کرده است.

بخش حزب در آلمان دموکراتیک بر اساس خط مارکسیستی لنینیستی حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست، آن چنانکه در اظهاریه حزب در زمان تشکیل خود - سال ۶۹/۶۸ و اسناد دیگر بیان گردیده است و طبق موازین تشکیلاتی مارکسیستی - لنینیستی فعالیت میکند.

ستایشگر شاه و آرایشگر سوسیال امپریالیسم

روزی که در برابر اربابان خود قرار میگیرند ایران و مردم آنرا فراموش میکنند. تریبون "کنگره" ۲۵ میتواند وسیله‌ای باشد که از پشت آن بتوان سیاهکاری های رژیم شاه را به جملنیان عرضه داشت. ولی برای اسکندری تریبون "کنگره" ۲۵ جایسی است برای ستایش ارباب برزف و نه برای بیان سرنوشته سیاه خلق های ایران در زیر سر نیزه های شاه تبهکار.

یادآوری کنیم که انعقاد قرارداد سه جانبه میان ایران اتحاد شوروی و آلمان غربی دوباره به "کمیته مرکزی" امکان داده است که این اقدام شاه پستاید و از آن پشتیبانی کند. قرارداد سه جانبه فروش گاز بنظر این آقایان "سوخت ارزان" برای "شهرها و روستاها" فراهم میآورد، به "توسعه صنایع گوناگون در شمال و مرکز کشور امکان میدهد" به بسط سریعتر صنایع سنگین و ایجاد صنایع جنسی می انجامد. و با توجه به مجموعه آنچه گفته شد حزب توده ایران قرارداد جدید چند جانبه فروش گاز ایران را اقدامی مثبت و ارزنده تلقی میکند. اگر این امر مسلم است که در ایران هیچ اقدامی بویژه اقدام مهیسی مانند قرارداد سه جانبه گاز نیست که از شاه منشا بگیرد و به فرمان او انجام نشود. روشن است که آقایان "کمیته مرکزی" همانطور که قرارداد ۹ مرداد ۱۳۵۲ شاه و کسرسیم را ستودند، دوباره اقدام جدید شاه را "اقدامی مثبت و ارزنده" شمرند که گویا برای "روستاها" سوخت ارزان میآورد. به "توسعه" صنایع گوناگون و بسط سریعتر صنایع سنگین و ایجاد صنایع جنسی می انجامد. کافی است شاعر درباری صبا این ضامین را در قصیده "فرائسی بگجانند تا مداحی شاه به سرحد کمال برسد.

این نگه را هم فراموش نکنیم بقید صفحه ۳

روزنامه های مهم و پرنفوذ رژیم شاه نطق اسکندری یکی از اعضا "دارودسته" کمیته مرکزی را در مجمع نمایندگان بورژوازی نخواستند شوروی که بر آن نام "کنگره" ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی گذاشتند تمامی منتشر ساختند.

پس از انتشار متن کامل دفاعیه های خاوری و حکمتجو در مطبوعات ایران، اینک سخنرانی اسکندری در صفحات مطبوعات ایران انعکاس مییابد. شکفت انگیز است. رژیم شاه که متن دفاعیه های فرزند ان خلق مانند پاک نژاد، گلشنی مهدی رضایی و دیگران را اجازه نمیدهد از درون بیرون بیاورد. دادستانی ارتش بخارج درز کند و با جملاتی سروا شکسته و تحریف شده از آنها را برای درج در مطبوعات مزدور خود میفرستد. همین رژیم شاه که از انتشار هر کتاب یا نشریه ای که بوی از مارکسیسم بدهد شدت جلو میگیرد و نویسندگان و ناشرین آنها را کفر میدهد، همین رژیم که داشتن و خواندن نشریات ایوزسیمون و از آنجمله و بویژه نشریات سازمان ما را جرم تلقی میکند که مستوجب سالیها زندان است، در همین رژیم دفاعیه های اعضای "کمیته مرکزی حزب توده ایران" و سخنرانی نماینده این "حزب" در مسکو در "کنگره" ۲۵ حزب روستیونیست شوروی در مطبوعات منتشر میگردد. راز این معمای شگرف لابد خود این آقایان بهتر میدانند!

جالب اینست که در سخنرانی اسکندری که متن آن گم به گم از روی روزنامه "پرودا" ترجمه شده مطلقا نامی از شاه و رژیم وی در میان نیست، اشارهای به مبارزات خلق های ایران و طبقه کارگر ایران که قربانی میدهد و میزهد بیان نیامده است. این آقایان که از بلندگوی شوروی "پیک ایران" و در ورق پاره های خود شعار "سرنگونی رژیم شاه" را سر میدهند

امپریالیسم سرچشمه عقب ماندگی ایران

شاه ایران برای میدان دادن به ورود سرمایه های خارجی باین بهانه متوسل میشود که کشور ایران برای رسیدن به "روزانه های تمدن بزرگ" آنقدر به سرمایه خارجی احتیاج ندارد که به تکنیک و تکنولوژی کشورهای صنعتی واکر سرمایه خارجی را به کشور فرامیخواند برای آن است که همراه با آن تکنیک و تکنولوژی در کشور راه یابد. اما چه کسی نمیداند که تکنیک و تکنولوژی از دیرباز وسیله پیروزی سرمایه داران در میدان رقابت و وسیله غارت و استثمار خلقهای جهان بوده و می‌باشد. باید ابله یا دغل بود برای آنکه فکر کرد که امپریالیست ها دستاورد ها و داناتی علمی و فنی خود را در اختیار کشورهای دیگر بگذارند. تجربه کشور ما در مسئله نفت آموزنده است. پس از هفتاد سال که امپریالیست ها استخراج و صنایع نفت را در اختیار دارند و هنوز هم چرخهای صنایع نفت ما با دست متخصصین خارجی میگرد و هنوز گمبید کرد ش چرخهای در دست انحصارهای امپریالیستی است و بیگین تا کار بر این متوال است، وضع چنین است. شایخود به همین پدیده اشاره میکند. وقتی با زبان فارسی سروا شکسته میگوید: "آخرین پدیده علم و تکنولوژی را میسازند و در هفتاد سال پدیدی که من میگویم و یا در روز بعد از اینکه پایم را از آن اطاق بکنم گذاشتم از کارتی افتد" معلوم نیست این اد باوقفانای بد زبانتار چه میکنند که شاه نمیتواند سرتعجک جمله فارسی را بهم بیآورد ( البته در دنیا گوییم، امپریالیست ها برای استثمار و غارت بیشتر خلقها و ایجاد این اندیشه نادرست که گویا برشند صنعتی کشورهای کم رشد "کک" می‌رسانند، موسسات تولیدی در این کشورها ایجاد میکنند ولی این موسسات چیزی جز شعبه موسسات تولیدی شرکت های بزرگ خارجی در سرزمین مانیت است. این موسسات در کشور ما همه بکارمونتاز می پردازند و محصولات بد و نامرغوب به قیمت گران عرضه میکنند و مردم کشور را با دست نوکران پستی مانند شاه به خرید آنها وادار میسازند. امپریالیست با این عمل خود نه تنها در کار صنعتی شدن کشورها گامی برنمید بلکه از این طریق از صنعتی شدن کشورهای در حال رشد و بطور کلی از اینکه این کشورها روزی از محصولات کشورهای امپریالیستی بی نیاز گردند جلو میگیرد. این خصوصیت امپریالیست ها که رقیبان بازاریارانی در آورند. پس چگونه ممکن است با وجود داشت آنها با دست خود در وجود کشورهای کم رشد رقیبانی برای محصولات خود بترانند. کشورهای صنعتی "سالها از صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه جلو گیری کردند و وقتی نتوانستند این سیاست را ادامه دهند صنایعی را که به نیروی انسانی و هزینه بیشتر نیاز داشتند به آنها عرضه کردند تا بازم سود بیشتر از آن خودشان باشد و کشورهای در حال توسعه پیوسته در حال مونتاژ و با وارد کردن ماشین آلات گاهی مواد اولیه گران صنایع مریش خود باشند. ( تهران اکونومیست شماره ۱۱۲۰ مورخ ۸ آذر ۵۴ )

بقول معروف آنقدر شور است که خان هم فهمیده است. توسعه صنایع مونتاژ در کشور ما یکی از طرق جلو گیری از صنعتی شدن کشور است و یکی از طرق غارت بیشتر و استثمار بیشتر خلقها ما است. همین انتقال سرمایه و ثروت از کشورهای فقیر بسوی کشورهای غنی یکی از مهمترین عوامل سیر فقراتی زندگی مردم کشورهای در حال توسعه است ( همانجا ) که مردم ایران علی رغم درآمد هنگفت نفت نمونه آنهاند.

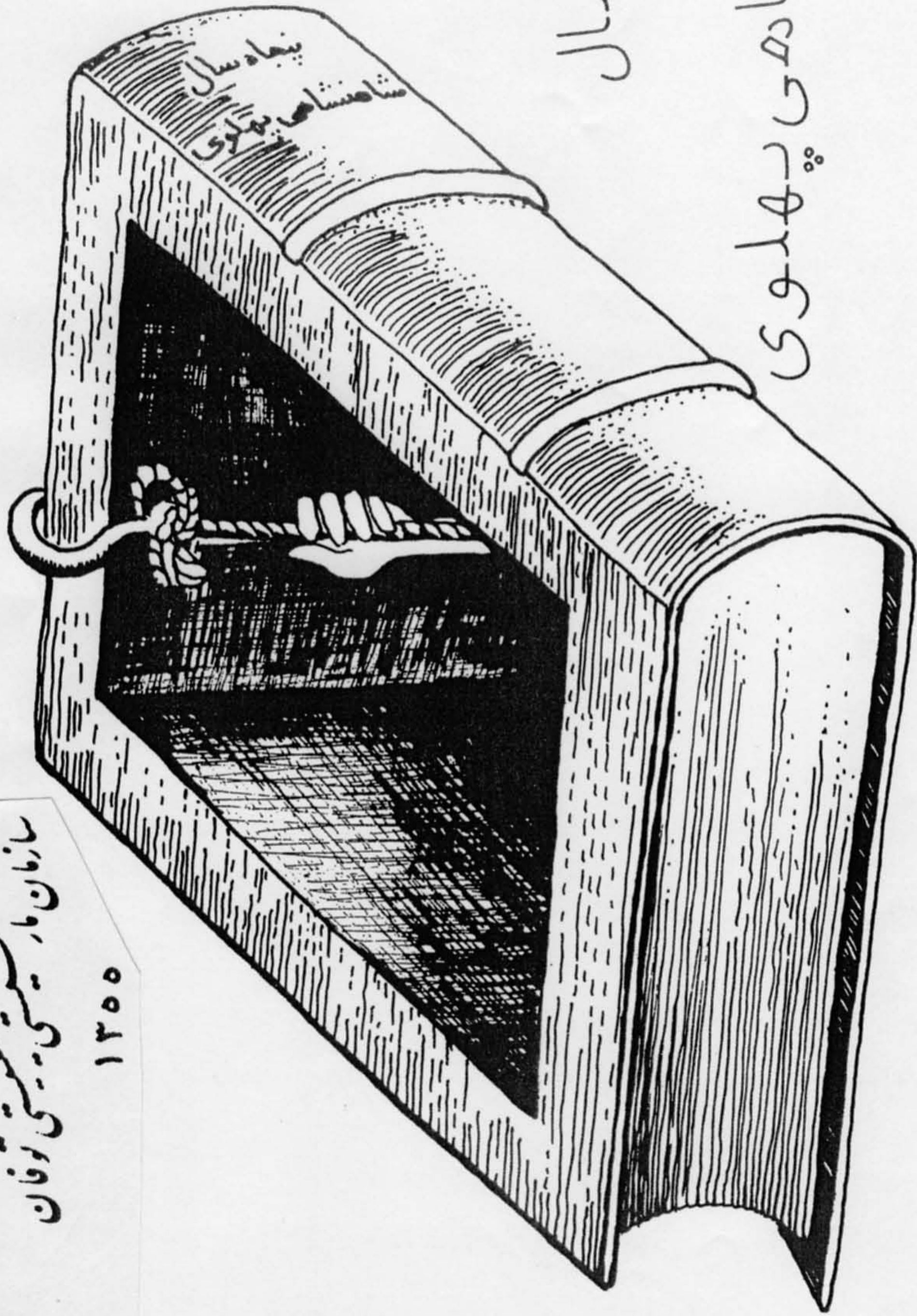
کشورهای کم رشد و عقب مانده سرچشمه حیات امپریالیسم چگونه امپریالیسم میتواند سرچشمه حیات خود را بخشکاند؟ و ایران یکی از این کشورها است. ترقیات افسانه واری که برای ایران میسرند قصه هایی است که شاه برای خواب کردن مردم میگوید.

امپریالیسم از کشور ما مواد خام و مواد اولیه بویژه نفت و گاز میبرد، در درون کشور به دست مزد اربان دسترس دارد، محصولات صنعتی و حتی کشاورزی خود را به بهای گران میفروشد و از اینراه ثروت های ملی ما را وسر میانه های بقید صفحه ۳

درود پر شور به کارگران ایران!

سازمان ماسکینستی توفان

۱۳۵۵



پنجاه سال

شاهنشاهی پهلوی

تاریخ پنجاه سال سلطنت و دوران پهلوی چیزی جز سیاهی و زندگی و اندام نیست .